



## Examining the Responsibility of Shareholders for the Company's Debt in Iranian Commercial Law with a Comparative Approach

Azam Ebrahimi<sup>1\*</sup>

1. Assistant Professor of Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 847-866

**Article history:**

**Received:** 19 Jul 2023

**Edition:** 23 Sep 2023

**Accepted:** 9 Nov 2023

**Published online:** 18 Nov 2023

### Keywords:

Limited liability, fraud, stock, shareholder.

### Corresponding Author:

Azam Ebrahimi

### Address:

Iran, Tehran, Payame Noor University, Department of Law.

### Orchid Code:

0000-0003-4019-7285

### Tel:

09133578313

### Email:

[aebrahimi58@pnu.ac.ir](mailto:aebrahimi58@pnu.ac.ir)

### ABSTRACT

**Background and Aims:** The responsibility of shareholders in joint-stock companies is one of the controversial issues. The void of crossing the legal personality of the company is evident in Iranian law, and conducting researches of this kind that deal with the comparative study of the issue with English and American law can provide the necessary ground for the legislator's attention to this issue. The purpose of this article is to examine the responsibility of shareholders for the company's debt in Iranian commercial law with a comparative approach.

**Materials and Methods:** This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

**Ethical Considerations:** In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

**Findings:** The findings of the research indicate that in the laws of countries such as England and America, shareholders are responsible for the company's debts according to the theory of passing from the legal personality of the company, but in Iran's commercial law, the theory of passing from the legal personality of the company has not been considered. Passing the legal personality of the company is a solution to deal with the abuse of the limited liability entity and the legal personality of such companies.

**Conclusion:** Passing the legal personality of the company is a solution to deal with the abuse of the limited liability institution and the legal personality of such companies. Of course, despite the lack of legal clarification of exceptions to the rule of limited liability, it should not be considered absolute and unlimited. The concept of the theory of prohibition of abuse of right and prohibition of "tricks and fraud" has its roots in the jurisprudential rule of harmlessness and has been reflected in Iran's legal system through Article 132 of the Civil Law and other articles which, according to Article 132, cast a shadow on them.

### Cite this article as:

Ebrahimi A. Examining the Responsibility of Shareholders for the Company's Debt in Iranian Commercial Law with a Comparative Approach. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



### بررسی مسئولیت سهامداران در قبال بدهی شرکت در حقوق تجارت ایران با رویکرد تطبیقی

اعظم ابراهیمی<sup>\*۱</sup>

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** مسئولیت سهامداران در شرکت‌های سهامی از موضوعات محل بحث و نظر است. خلأ عبور از شخصیت حقوقی شرکت در حقوق ایران مشهود است و انجام پژوهش‌هایی از این دست که به صورت تطبیقی این موضوع را با حقوق انگلیس و آمریکا بررسی کند، می‌تواند زمینه لازم برای توجه قانون‌گذار به آن را فراهم کند. هدف مقاله حاضر بررسی مسئولیت سهامداران در قبال بدهی شرکت در حقوق تجارت ایران با رویکرد تطبیقی است.

**مواد و روش‌ها:** مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق حاکی از این است که در حقوق کشورهای چون انگلیس و آمریکا، سهامداران مطابق نظریه گذر از شخصیت حقوقی شرکت، در قبال بدهی شرکت مسئولیت دارند؛ ولی در قانون تجارت ایران، نظریه عبور از شخصیت حقوقی شرکت مورد توجه قرار نگرفته است. با وجود این، سهامداران بر اساس سهام اسمی-شان طبق نظریه مسئولیت مدنی در قبال بدهی‌های شرکت مسئول هستند.

**نتیجه:** گذر از شخصیت حقوقی شرکت راهکاری برای مقابله با سوءاستفاده از نهاد مسئولیت محدود و شخصیت حقوقی شرکت‌هایی از این دست است. البته با وجود عدم تصریح قانونی به استثنائات قاعده مسئولیت محدود، نباید آن را مطلق و نامحدود پنداشت. از جمله مواردی که می‌توان آن را به‌عنوان استثنای قاعده مسئولیت محدود نام برد، استثنای «تقلب» است. مفهوم نظریه منع سوءاستفاده از حق و منع «حیله و تقلب» ریشه در قاعده فقهی لاضرر دارد و از طریق ماده ۱۳۲ قانون مدنی و دیگر موادی که به نظر ماده ۱۳۲ بر آن‌ها سایه افکنده است در نظام حقوقی ایران انعکاس یافته است.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۴۷-۸۶۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

#### واژگان کلیدی:

مسئولیت محدود، تقلب، سهام، سهامدار

#### نویسنده مسئول:

اعظم ابراهیمی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه حقوق.

کد ارکید:

0000-0003-4019-7285

تلفن:

۰۹۱۳۳۵۷۸۳۱۳

پست الکترونیک:

[aebrahimi58@pnu.ac.ir](mailto:aebrahimi58@pnu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

تعهدات قانونی است. در نظام‌های حقوقی پیشرفته از جمله انگلیس، آمریکا و آلمان در شرایط و اوضاع - واحوال خاص، بر مبنای نظریه حقوقی نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری با سوءاستفاده‌های احتمالی مقابله می‌کنند. با نادیده - گرفتن قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت و تحمیل مسؤولیت نامحدود بر شرکا مانع نفوذ حقوقی اقدامات اشخاص متقلب می‌شوند. دادگاه‌های این کشور برای توجیه تصمیمات خود، برخی معیارها را نیز لحاظ می‌کنند. با این توضیح که شرکت تحت کنترل انحصاری شریک باشد، شریک از موقعیت انحصاری خود سوءاستفاده کرده باشد و اینکه سوءاستفاده از شرکت، سبب ورود خسارت به خواهان شده باشد. معیار دوم که به نظریه استثنای تقلب نسبت به استقلال شخصیت حقوقی شهرت دارد، از موضوعاتی است که در خصوص حدود و ثغور آن اختلاف است. البته این اصل در حقوق ایران به رسمیت شناخته نشده است. در خصوص مسؤولیت سهامداران پژوهش‌های محدودی انجام شده است: محمد ابوعطا و سیده‌زهره پوررشید (۱۳۹۶) در مقاله‌ای، دعوی مسؤولیت مدنی سهامداران علیه مدیران شرکت سهامی در حقوق ایران و فرانسه را بررسی کرده‌اند. منصور امینی و سیمین واحدی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای، محدودیت مسؤولیت سهامداران و خرق حجاب شرکت‌ها را بررسی کرده‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که مسؤولیت سهامداران در قبال بدهی شرکت در حقوق تجارت ایران را با رویکرد تطبیقی بررسی می‌کند. بر همین اساس سؤال اساسی که در این خصوص مطرح

ترور و تروریسم، ابزاری برای ساختارسازی، قدرت و رسیدن به اهداف اقتدارگرایی است. نظام حقوقی ایران مانند دیگر نظام‌های حقوقی جهان، به‌موجب ماده ۵۸۳ قانون تجارت، برای شرکت‌های تجاری، شخصیتی مستقل از شخصیت شرکا به رسمیت شناخته است. این امر به قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری معروف است. بر طبق این قاعده آثار مهمی مترتب می‌شود؛ از جمله آنکه: شرکت (شخص حقوقی) می‌تواند دارای حق و تکلیف شود و آن‌ها را به‌مورد اجرا گذارد؛ شرکا حق مالکیت خود نسبت به آورده‌های خویش را از دست می‌دهند جز در خصوص شرکت‌هایی که شرکا شخصاً ضامن تعهدات شرکت هستند و در سایر شرکت‌ها، طلبکاران حق مراجعه به شرکا را ندارند (به‌بیان دیگر مسؤولیت سهامدار و یا شریک شرکت، به آورده ایشان محدود است، چنانچه شرکت قادر به پرداخت دیونش نباشد، الزامی به پرداخت دیون شرکت از دارایی خود نخواهند داشت)؛ میزان خطری که آنان قبول می‌کنند فقط تا حد مبلغ اسمی سهام و یا میزان سهم‌الشرکه آنان است. این نتیجه به قاعده مسؤولیت محدود شهرت دارد. قواعد استقلال شخصیت حقوقی «شرکت تجاری و مسؤولیت محدود»، متضمن برخی عیوب نیز است. مهم‌ترین - آن‌ها، تحمیل خطرات ناشی از ورشکستگی شرکت بر بستانکاران به‌ویژه بستانکاران بدون وثیقه است. این عیب به‌ویژه در فرضی که اشخاص در پی سوءاستفاده از شرکت باشند، بیشتر احساس می‌شود. بدین توضیح که گاهی برخی افراد از تشکیل شرکت، اهدافی غیر از فعالیت تجاری دارند. انگیزه ایشان سوءاستفاده از تشکیل شرکت برای فرار از تکالیف و

#### ۴. یافته‌ها

یافته‌های تحقیق حاکی از این است که در حقوق کشورهای چون انگلیس و آمریکا، سهامداران مطابق نظریه گذر از شخصیت حقوقی شرکت، در قبال بدهی شرکت مسئولیت دارند؛ ولی در قانون تجارت ایران، نظریه عبور از شخصیت حقوقی شرکت مورد توجه قرار نگرفته است. با وجود این، سهامداران بر اساس سهام اسمی‌شان طبق نظریه مسئولیت مدنی در قبال بدهی‌های شرکت مسئول هستند.

#### ۵. بحث

قاعده مسئولیت محدود دارای، مخالفانی است. عمده بحث مخالفان، حول این موضوع دور می‌زند که قاعده مسئولیت محدود این خطر اخلاقی را دارد که از آن برای بیرونی کردن هزینه‌ها و تحمیل خسارت طرح‌ها به اشخاص خارج از شرکت، مورد استفاده قرار گیرد. این گروه با اتکا به این مطلب، کارآمدی قاعده مسئولیت محدود را به چالش می‌کشند. به باور مخالفان، قاعده مسئولیت محدود هزینه‌ها و خسارت‌های احتمالی حاصل از فعالیت‌های تجاری را به اشخاص خارج از شرکت تحمیل می‌کند. به نظر این گروه، «در نتیجه این قاعده، صاحبان شرکت، انگیزه پیدا می‌کنند تا به فعالیت‌های اقتصادی خطرناک بپردازند؛ زیرا بنا بر فرض، مسئولیت‌های مالی بعدی (بیش از آورده) متوجه سهامداران نبوده، در نتیجه این خطر به طلبکاران شرکت تحمیل می‌شود» (پریسر، ۲۰۰۵، ۸۹). این تحمیل خطر به طلبکاران که از بی‌مبالاتی در سرمایه‌گذاری نشئت می‌گیرد، همان خطر اخلاقی است که استحکام این

می‌شود این است که چگونه می‌توان در حقوق ایران مانند حقوق انگلیس، در شرایطی شخصیت حقوقی شرکت را نادیده گرفت و سهامداران را مسئول اعمال شخص حقوقی دانست؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که در حقوق ایران، تعهد و مسئولیت هر سهامدار محدود به ارزش اسمی سهام وی است و در صورت بروز هر گونه کلاهبرداری و یا سایر کارهای فریبنده توسط سهامدار، شرکت هیچ‌گونه تعهدی در قبال ضرر و زیان‌های حاصله از عملکردهای آن‌ها و نیز پرداخت دیون آن‌ها نخواهد داشت. به‌منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره، ابتدا، مبنای مسئولیت سهامداران در قبال بدهی‌های شرکت؛ سپس بدهی شرکت و مسئولیت سهامداران بررسی و در ادامه از آثار گذر از شخصیت حقوقی بر مسئولیت سهامداران در قبال بدهی‌های شرکت بحث می‌شود.

#### ۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

#### ۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

آن‌ها، تحمیل خطرات ناشی از ورشکستگی شرکت بر بستانکاران به‌ویژه بستانکاران بدون وثیقه است. این عیب به‌ویژه در فرضی که اشخاص در پی سوءاستفاده از شرکت باشند، بیشتر احساس می‌شود. با این توضیح که گاهی برخی افراد از تشکیل شرکت، اهدافی غیر از فعالیت تجاری دارند. انگیزه ایشان سوءاستفاده از تشکیل شرکت برای فرار از تکالیف و تعهدات قانونی است.

در نظام‌های حقوقی پیشرفته از جمله انگلیس، دادگاه‌ها در شرایط و اوضاع و احوال خاص، بر مبنای نظریه حقوقی گذر از شخصیت حقوقی شرکت تجاری با سوءاستفاده‌های احتمالی مقابله می‌کنند و با نادیده گرفتن قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت و تحمیل مسئولیت نامحدود بر شرکا، مانع نفوذ حقوقی اقدامات اشخاص متقلب می‌شوند. دادگاه‌های این کشور برای توجیه تصمیمات خود، برخی معیارها را نیز لحاظ می‌کنند؛ با این توضیح که شرکت تحت کنترل انحصاری شریک باشد؛ شریک از موقعیت انحصاری خود سوءاستفاده کرده باشد؛ سوءاستفاده از شرکت، سبب ورود خسارت به خواهان شده باشد.

در حقوق انگلیس، بر اساس قاعده مسئولیت محدود به محض ثبت شرکت بر اساس مقررات قانونی شرکت شخصیت حقوقی مستقل از اعضای خود می‌یابد؛ جز در مورد شرکت‌هایی که شرکا ضامن تعهدات شرکت هستند، مسئولیت اعضای شرکت محدود به آورده شخصی آن‌ها است (آشوک، ۲۰۰۲، ۱۱۹). با وجود این، در برخی شرایط و اوضاع و احوال خاص، قانون‌گذار و رویه قضایی انگلیس برای متعادل کردن مزایا و هزینه‌های اجتماعی قاعده مسئولیت محدود،

قاعده را به چالش می‌کشد. قاعده مسئولیت محدود باعث می‌شود که سود حاصل از فعالیت‌های مخاطره‌آمیز، عاید سهامداران شود؛ درحالی‌که ضررهای ناشی از نافرجامی این پروژه‌ها به اشخاص ثالث و از طریق این اشخاص، به کل جامعه، تحمیل می‌شود (لاندرس، ۲۰۰۴، ۱۲۲).

بلوم‌برگ یکی از منتقدان قاعده مسئولیت محدود (به‌ویژه در ارتباط با شرکت‌های گروهی) در کتاب خود تحت عنوان «چالش‌های بین‌المللی حقوق شرکت‌ها»، فرض مسئولیت نامحدود را کارآمدتر از قاعده مسئولیت محدود می‌داند. وی نتیجه‌گیری - های موافقان قاعده مسئولیت محدود را ناشی از بی‌توجهی آن‌ها به تاریخچه اقتصادی موضوع می‌داند و در تبیین نظر خود چنین می‌نویسد: «قبل از پذیرش قاعده مسئولیت محدود در انگلستان که تاریخ آن به سال ۱۸۵۵ بر می‌گردد، شرکت‌ها علیرغم مسئولیت نامحدود، بازار سهام پر رونقی داشته‌اند. بنابر روایت تاریخ‌نویسان، در پایان قرن هفدهم، بازار اوراق بهادر برای سهام اکثر شرکت‌های انگلیسی (در لندن و دیگر استان‌ها)، از شکوفایی خوبی برخوردار بوده است. به‌طوری که در سال ۱۶۹۷، پارلمان انگلیس پی به ضرورت وضع قانون می‌برد که وضع دلان سهام شرکت‌ها را سامان بخشد. در کشورهای دیگر از جمله هلند و بلژیک نیز مانند انگلیس، بازار سهام، از رونق خوبی برخوردار بوده است. بنابراین، مسئولیت نامحدود اعضای شرکت رادع و مانع نظری جدی، نداشته است» (بلوم‌برگ، ۲۰۰۳، ۱۳۲). در حقیقت از نظر مخالفان قواعد استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری و مسئولیت محدود، متضمن برخی عیوب مهم هستند. مهم‌ترین

اشخاصی می‌شوند و بدین ترتیب، عوارض و پیامدهای منفی قاعده مسئولیت محدود را تعدیل می‌کنند (فوریه، ۱۹۹۴، ۱۵۱). از نظر تحلیلی نظریه مورد بحث را می‌توان به‌مثابه ابزاری تلقی کرد که از طریق آن با فرصت‌طلبی و سوءاستفاده‌های اشخاص از قاعده مسئولیت محدود مقابله و بین منافع و هزینه‌های آن تعادل و توازن ایجاد می‌شود و هزینه‌های اجتماعی اعمال افراد به خود آن‌ها تحمیل می‌شود.

#### ۵-۱. مبنای مسئولیت سهامداران در قبال بدهی‌های شرکت

تعیین مبنای مسئولیت اعضای شرکت از این جهت حائز اهمیت است که مسئولیت شریک و یا سهامدار شرکت تجاری در قبال شرکت، بنا به دلایل و مبنای مختلفی ممکن است صورت بگیرد. از جمله اینکه ممکن است شریک بر مبنای مسئولیت قهری و یا نقض قرارداد، در قبال اشخاص ثالث مسئولیت پیدا کند. همچنین احتمال دارد این مسئولیت ناشی از تضمین شخصی حسن اجرای قرارداد شرکت باشد. در این مورد حکم به مسئولیت نامحدود شریک بر مبنای مقررات قانونی داده خواهد شد. به بیان دیگر، همان‌گونه که نسبت به شرکت‌های ثبت‌نشده و نیز اشخاص حقیقی، قانون اعمال می‌شود، نسبت به شریک شرکت ثبت‌شده و دارای شخصیت حقوقی نیز، قانون اعمال می‌شود.

بر مبنای قاعده مسئولیت محدود، فرض بر عدم مسئولیت شریک در قبال دیون و تعهدات شرکت است. ولی عملکرد و نحوه استفاده شریک از شرکت

تلاش‌هایی صورت داده است. در اصطلاح از این اقدامات با عنوان «درونی کردن هزینه‌ها» یا تحمیل هزینه‌های اجتماعی اعمال فرد بر خود وی یاد می‌شود. یکی از ابزارهای حصول تعادل، نظریه گذر از شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری است. بر این اساس که اعمال قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری، به بی‌عدالتی منتهی می‌شود، قضات خود را در معرض این وظیفه اخلاقی و وجدانی می‌بینند که با کنار گذاشتن شخصیت حقوقی شرکت و رسیدن به حاق واقعیت، رأیی صادر کنند که به واقعیت و عدالت بیشتر نزدیک است. این تئوری را از منظر اقتصادی می‌توان به ابزاری حقوقی تعبیر کرد که برای جلوگیری از پیامدهای منفی شخصیت حقوقی از سوی محاکم ابداع شده است. به بیان دیگر، این تئوری را می‌توان «تلاش تعادلی» محاکم برای متعادل کردن منافع و مضرات مترتب بر شخصیت حقوقی دانست (طوسی، ۱۳۸۸، ۲۷۷). البته فرصت‌طلبی یا خطر اخلاقی تحمیل هزینه‌های شرکت به اشخاص خارج از شرکت، دلیل قابل قبولی برای کنار گذاشتن قاعده مسئولیت محدود نیست. چرا که با وجود تأکید تحلیلگران حقوقی بر هزینه‌های اجتماعی قاعده مسئولیت محدود، این قاعده یکی از قواعد پایه‌ای و اساسی حقوق شرکت‌های تجاری است (میلون، ۲۰۰۳، ۳؛ داگلاس، ۲۰۰۸، ۱۱۶۵). هرچند، قاعده مسئولیت محدود را نباید مطلق پنداشت. بر مبنای این دیدگاه در سایر نظام‌های حقوقی از جمله کامن لا در صورت احراز با سوءاستفاده‌های متقلبانه از قاعده مسئولیت محدود، در قالب نظریه موسوم به «گذر از شخصیت حقوقی شرکت تجاری»، با اقدامات متقلبانه اشخاص متقلب مقابله شده است و مانع نفوذ حقوقی اقدامات چنین



از قاعدهٔ مسئولیت محدود و اعمال مسئولیت نامحدود، الزاماً نفوذ مصطلح نخواهد بود.

از نظر تاریخی، برخی سابقهٔ نظریهٔ گذر از شخصیت حقوقی شرکت را در آمریکا و به اوایل قرن نوزدهم بر می‌گردانند. این گروه به پروندهٔ بانک ایالات متحده علیه دیوکس استناد می‌کنند که در آن دادگاه از امکان خرق حجابی که نام شرکت ایجاب کرده بود و نظر انداختن به اشخاصی که واقعاً در پس این پوشش ایستاده‌اند، سخن گفته است. لازم به ذکر است که در حال حاضر نظریهٔ گذر از شخصیت حقوقی شرکت، یکی از شایع‌ترین موارد توافقی حوزهٔ حقوق شرکت‌ها در حقوق کشورهای خارجی است.

رابرت بی تامسون در مقالهٔ خود با عنوان «گذر از شخصیت حقوقی شرکت تجاری: یک مطالعهٔ تجربی» (تامپسون رابرت بی، ۱۹۹۱-۱۹۹۰، ۱۰۳۶)، نظریهٔ گذر از شخصیت حقوقی شرکت تجاری را چنین تعریف می‌کند: «اعمال استثنا به قاعدهٔ استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری توسط دادگاه‌ها از طریق نادیده گرفتن شخصیت مستقل شرکت تجاری و تحمیل مسئولیت اقدامات شرکت به شریک آن به‌نحوی که گویی آن اقدامات را شریک خود شخصاً انجام داده است». در برخی پرونده‌ها دادگاه‌ها پوشش شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری را کنار می‌زنند، ضمن نظر انداختن به و رای پوشش حقوقی، علی‌رغم قاعدهٔ استقلال شخصیت حقوقی شرکت، شریک و یا شرکای شرکت را مسئول اقدامات شرکت تلقی می‌کنند. به‌طوری که گویی آن اقدامات را شریک شخصاً انجام داده است این مطلب در نظام حقوقی کامن لا به نظریهٔ گذر از شخصیت حقوقی شرکت معروف است.

به‌نحوی است که دادگاه استثنائاً قاعدهٔ اولیه را نادیده می‌گیرند و حکم به ایفای دیون و تعهدات شرکت از محل اموال و دارایی‌های شرکت می‌دهند.

مسئولیت ناشی از اعمال نظریهٔ مورد بحث، از مسئولیت‌هایی که منشأ قانونی دارند نیز متمایز است. در قوانین موضوعهٔ کشورهای مختلف موارد متعددی را می‌توان یافت که در آن‌ها مسئولیت نامحدود اعضای شرکت (شرکا یا مدیران) در قبال دیون و تعهدات شرکت پیش‌بینی شده است (کابری، ۲۰۱۰، ۱).

این موارد به‌دلیل اینکه حکم به مسئولیت نامحدود اعضای شرکت در قبال دیون شرکت داده می‌شود، در مفهوم عام نوعی عدول از شخصیت حقوقی شرکت هستند و بر این مبنا با مفهوم «گذر از شخصیت حقوقی» انطباق دارند. این موارد داخل در زمرهٔ نفوذ مورد بحث نیست؛ به‌دلیل اینکه مبنای این موارد قوانین موضوعه است و بر مبنای نظریهٔ گذر مورد بحث، دادگاه‌ها تحت شرایط و اوضاع و احوال خاص در خارج موارد قانونی، قاعدهٔ مسئولیت محدود را نادیده می‌گیرند و حکم به مسئولیت شریک و یا شرکای شرکت در قبال دیون و تعهدات شرکت می‌دهند. رابطهٔ مسئولیت محدود ناشی از اعمال نظریهٔ گذر از شخصیت حقوقی شرکت مورد بحث و سایر مسئولیت‌های نامحدود ناشی از قوانین موضوعه، از نوع عموم و خصوص مطلق است. به این معنی که هر گونه عدول از قاعدهٔ مسئولیت محدود و حکم به مسئولیت نامحدود، نتیجهٔ اعمال نظریهٔ گذر در مفهوم خاص آن نیست؛ بلکه برخی از آن ناشی از اعمال نظریهٔ مورد بحث است. بنابراین هر نوع عدول

مواد را از این حیث که برخلاف قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت، امکان رجوع به اموال اعضای آن را برای وصول دیون آن مورد پیش‌بینی قرار داده است، شاید بتوان در حقوق ایران به‌عنوان موارد قانونی نفوذ (در مفهومی که گفته شد) تلقی کرد. موارد مزبور عبارت است از مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت سال ۱۳۴۷.

قبل از تحلیل مواد قانونی فوق از حیث نحوه انطباق آن به موضوع مورد بحث، لازم است درباره مفهوم واژه اعضای شرکت و ارتباط قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت با هر یک از این اعضا توضیح مختصری داده شود.

منظور از اعضای شرکت در اینجا به‌معنی خاص آن (یعنی شرکا و یا سهامداران شرکت) نیست؛ بلکه منظور همه کسانی است که به‌نحوی در شکل‌گیری و ادامه فعالیت شرکت، مداخله و مشارکت دارند. از توجه به قوانین مربوط به شرکت‌ها، فرض بر این است که شرکت متشکل از سه دسته است: الف) شرکا و یا سهامداران؛ ب) هیئت‌مدیره؛ ج) کارکنان.

البته هر یک از سه گروه مذکور در شرکت نقش و کارکرد مستقل از هم دارند. شرکا و سهامداران، سرمایه شرکت را تأمین می‌کنند، مدیران به‌عنوان رکن شرکت (عیسائی تفرشی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۹۴-۸۴) سرمایه شرکت را کنترل و اداره می‌کنند و کارکنان نیز هدایت امور جاری شرکت را به‌عهده دارند (تامپسون رابرت بی، ۱۹۹۴، ۶).

مطلب مهم قابل توجه، شمول قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت نسبت به هر سه گروه

استیفن بی‌پرس در کتاب خود با عنوان «گذر از شخصیت حقوقی شرکت تجاری» (استیفن بی-پرس، ۱۹۹۳-۱۹۹۲، ۱۷۹-۱۴۷)، ضمن تلقی قاعده مسئولیت محدود به‌عنوان یکی از قواعد پایه‌ای حقوق شرکت‌های تجاری و اشاره به مطلق نبودن این قاعده در نظام‌هایی که این قاعده را در قوانین موضوعه خود پیش‌بینی کرده‌اند، به نظریه گذر به‌عنوان یکی از موارد استثنایی قاعده مسئولیت محدود اشاره می‌کند و در تعریف آن چنین می‌نویسد: «این نظریه دارای ماهیت انصافی است. قاعده‌ای است که دادگاه‌های آمریکا برای تحمیل مسئولیت به شرکای شرکت (با هر اندازه و خصوصیتی) در قبال دیون شرکت (از هر نوع که باشد) به‌کار می‌گیرند».

در قالب نظریه گذر دادگاه‌ها تحت شرایط خاصی، استثنائاً بدون توجه به قاعده مسئولیت محدود شرکای شرکت، دیون شرکت را به شریک و یا شرکای آن تحمیل می‌کنند. به‌بیان ساده‌تر، نتیجه اعمال نظریه گذر نادیده گرفتن قاعده مسئولیت محدود و تحمیل دیون آن به شریکی است که به‌ظاهر مستقل از شرکت است. دادگاه‌ها زمانی اقدام به اعمال این نظریه می‌کنند که پوشش شخصیت حقوقی شرکت با هدف نامشروع فریب اشخاص و یا طفره و فرار از حقوق قانونی اشخاص و یا تعهدات قانونی، مورد سوءاستفاده قرار بگیرد.

## ۵-۲. بدهی شرکت و مسئولیت سهامداران

در قوانین موضوعه ایران مواردی را می‌توان یافت که در آن‌ها امکان وصول دیون شرکت از حمل اموال و دارایی‌های اعضای شرکت پیش‌بینی شده است. این



مسئول می‌باشند و دادگاه مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود».

مطابق این ماده چنانچه در نتیجه تخلف مدیر و یا مدیران شرکت از مقررات قانونی و یا اساسنامه شرکت یا مصوبات مجمع عمومی به شرکت و یا اشخاص ثالث خسارتی وارد شود، در این صورت آن‌ها مسئولیت خواهند داشت. چند مطلب در ارتباط با این ماده قابل توجه است: (۱) مسئولیت موضوع این ماده، از نوع مسئولیت قهری (غیر قراردادی) و قانونی است که به دلیل تخلف قانون و عرفی به وجود می‌آید. مسئولیت این ماده منوط به تحقق ارکان سه‌گانه مسئولیت قهری (وجود ضرر، وجود فعل زیان‌بار و وجود رابطه علیت بین ضرر و فعل زیان‌بار مدیر و یا مدیران) است. برای اینکه فعل مدیران، زیان‌بار (نامشروع) باشد باید از مقررات قانونی یا اساسنامه و یا مصوبات مجمع عمومی و یا حتی از تکالیف عرفی، از جمله تکلیف حسن اداره شرکت، تخلف شده باشد و از این عمل آن‌ها به شرکت یا اشخاص ثالث خساراتی وارد شود. (۲) کسانی که حق طرح دعوی دارند عبارت‌اند از: شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث (طلبکاران و زیان‌دیدگان). بنابراین طلبکاران شرکت و متضرران دیگر در صورتی که از اقدامات خلاف قانون و یا اساسنامه و یا تصمیمات مجامع عمومی دچار ضرر شده باشند، می‌توانند علیه مدیران اقامه دعوی کنند. (۳) مسئولیت پیش‌بینی‌شده در این ماده ناشی از فعل شخص مدیران و یا مدیرعامل شرکت است و از این جهت با نظریه گذر مصطلح مورد بحث تفاوت اساسی و بنیادی دارد. به تعبیر دیگر در نظریه گذر مصطلح، دادگاه دیونی را که ظاهراً به شرکت به‌عنوان شخص

مذکور است. به این معنی که با تشکیل شرکت و ایجاد شخص حقوقی مستقل، نه تنها شرکا و سهامداران در قبال اقدامات شرکت، تعهدی علاوه بر آنچه به شرکت آورده‌اند، نخواهند داشت؛ بلکه اموال شخصی مدیران و کارکنان شرکت نیز که از طرف شرکت و در حدود اختیارات و مقررات اقدام می‌کنند، در این ارتباط مصون از هرگونه تعرض است (عرفانی، ۱۳۹۵، ۸۹). تذکر این مطلب به این دلیل است که وقتی قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت مطرح می‌شود، در نظر داشته باشیم که این قاعده، صرفاً ناظر به سهامداران و یا شرکای شرکت نیست؛ بلکه در خصوص اعضای دیگر نیز مصداق دارد و به این اعتبار، وقتی مقنن در موردی استثنائاً حکم به مسئولیت مدیر و یا کارکنان شرکت می‌دهد، در این موارد از قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت عدول کرده است. بنابراین این موارد نیز به نوعی با مفهوم نظریه گذر از شخصیت حقوقی که نتیجه آن، نادیده گرفتن قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت و تحمیل مسئولیت دیون شرکت به اعضای آن است، انطباق دارد. در نهایت با توجه به اینکه این موارد توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده است و با نظریه گذر مصطلح تفاوت دارد، آن را به گذر در مفهوم عام و یا موارد قانونی گذر، ناگذری کرده‌اند. با این مقدمه، موادی که با مفهوم نظریه گذر در معنی عام آن در حقوق ایران قابل انطباق به نظر می‌رسد، در ادامه بیان می‌شود.

الف) ماده ۱۴۲: «مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی برحسب مورد، منفرداً یا مشترکاً

انگاشته شود. چون مدیران به عنوان عضوی از اعضای شرکت، وابسته به مجموعه خود که شرکت نام دارد هستند و به اعتبار سمت مدیریت، تصور ارتکاب فعلی مستقل از مجموعه خود (شرکت)، غیر ممکن است. بنابراین وقتی مقنن مسئولیت مدیران را مستقل از شرکت، پیش‌بینی می‌کند، شخصیت دیگر آن‌ها را که مستقل از شرکت است، باید مد نظر داشته باشد و این با مفهوم نظریه گذر منطبق می‌شود. زیرا در آنجا نیز قاعده استقلال شخصیت حقوقی نادیده گرفته می‌شود و دینی که ظاهراً منتسب به شخص حقوقی مستقل است، به شخص ثالثی (شریک) تحمیل می‌شود.

ب) ماده ۱۴۳: «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه صلاحیت‌دار می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع، هر یک از مدیران و یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت و یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است و منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید».

مطابق این ماده چنانچه احراز شود که ورشکستگی شرکت یا عدم کفایت دارایی آن برای تأدیه دیون طلبکاران، معلول خطای مدیران و یا مدیرعامل شرکت بوده است، در این صورت به مثابه حکم ماده ۱۴۳ فوق، طلبکاران شرکت می‌توانند شخصیت حقوقی شرکت را نادیده بگیرند و از دادگاه درخواست کنند که حکم به مسئولیت نامحدود مدیران و یا مدیرعامل متخلف، صادر کند. مطلب مذکور در مورد ماده ۱۴۲ عیناً در مورد این ماده نیز مصداق دارد، با

حقوقی مستقل منتسب است، برخلاف قاعده مسئولیت محدود، به شریک تحمیل می‌کند. ولی در ماده مورد بحث، حکم به مسئولیت، ناشی از فعل شخص مدیران و یا مدیرعامل (تخلف از مقررات قانونی یا اساس‌نامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی) است و بر این مبنا با نظریه گذر تفاوت ماهیتی دارد. حکم مسئولیت مدیران و یا مدیرعامل بر مبنای ماده مرقوم نتیجه قانونی اقدامات شخصی خود آن‌هاست و با نظریه گذر که بر اساس آن مدیران و یا مدیرعامل پاسخ‌گویی اقدامات شخص ثالثی به شریک تحمیل هستند، تفاوت دارد. تنها شباهت آن دو صرفاً از جهت نادیده گرفتن قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت است. به این معنی که چون در هر دو مورد برخلاف قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت، حکم به مسئولیت داده می‌شود، شاید بتوان آن را با گذر در مفهوم عام کلمه، منطبق ساخت. این نظر با تلقی هیئت مدیره به عنوان «رکن» شرکت بیشتر قابل دفاع است.

به اعتقاد طرفداران نظریه مدیران به عنوان رکن شرکت: «مدیران شرکت به عنوان سازمان تصمیم‌گیرنده شرکت، جزء ساختمان و سازمان شخص حقوقی هستند: اندام یا عضوی است که به وسیله آن اداره شخص حقوقی اعلام می‌شود و فعالیت‌ها شکل خارجی می‌گیرد. به تعبیر دیگر بین اراده شخص حقوقی و تصمیم سازمان مدیریت آن وحدت وجود دارد. به نظر این گروه انتساب تقصیرهای مدیران شخص حقوقی به خود شخص حقوقی، بر فرض نظریه رکن بودن قابل توجیه است» (عیسائی تفرشی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۹۱). بنابر این نظر، هرگونه تخلف مدیران، باید تخلف خود شرکت

برای جبران خسارت به شرکا رجوع کند؟ مثال دیگر شخص «الف» و «ب» قصد دارند وام کلانی را از یک مؤسسه مالی اخذ کنند و درعین حال قصد دارند که از بازپرداخت آن به صورت نامشروع طفره ببرند. به همین دلیل آن‌ها اقدام به تشکیل شرکت «ج» می‌کنند. اکنون اگر شرکت مزبور به دلیل نداشتن دارایی یا ناکافی بودن آن قادر به پرداخت دین موضوع قرارداد استقراضی نباشد آیا مؤسسه مالی وام‌دهنده می‌تواند با نادیده گرفتن شخص حقوقی شرکت، طلب خود را از شرکای مذکور اخذ کند (ایستبروک و فیشمل، ۲۰۰۶، ۱۴۵).

درباره دیون مشمول نظریه «گذر» برخی آن را صرفاً ناظری بر دیون قهری می‌دانند و بر این باورند که طلبکاران قراردادی نمی‌توانند با تمسک به این نظریه برای وصول مطالبات خود، به شرکای آن رجوع کنند (نیکلاس ال. جورج کاپولوس، ۲۰۰۵، ۶-۵). طبق نظر این عده شخصی که به واسطه دین قراردادی متضرر شده است با میل و اراده با شرکت قرارداد منعقد کرده است و به این دلیل وی فرصت کافی برای ارزیابی مخاطرات ناشی از طلب قراردادی را داشته است. بنابراین به جهت این ارزیابی وی می‌توانسته است با اختیار از انجام معامله با شرکت خودداری کند و یا برای اطمینان از ایفای تعهدات خود از متعهد تضمینات مناسب اخذ کند. بنابراین چنانچه شرکت طرف قرارداد نتواند دین خود را بپردازد فرض می‌شود که طلبکار قراردادی خطر مزبور را در موقع انعقاد قرارداد در نظر داشته است؛ پس در صورت عدم کفایت دارایی شرکت نمی‌تواند با عبور از شخصیت حقوقی شرکت به شرکای آن مراجعه کند. در چنین حالتی نسبت به طلبکاران غیر

این توضیح که مسئولیت‌های موضوع این ماده ناشی از فعل شخص مدیران و یا مدیرعامل است و با مسئولیت شریک مورد بحث نظریه گذر مصطلح، تفاوت ماهوی دارد؛ ولی از حیث اینکه در نتیجه اعمال حکم ماده مزبور، به نوعی قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت، نادیده گرفته می‌شود، شاید بتوان این ماده را نیز با گذر در معنی عام، منطبق دانست.

### ۵-۳. آثار گذر از شخصیت حقوقی بر مسئولیت سهامداران در قبال بدهی‌های شرکت

اثر مهم در بر داشتن پوشش شخصیت حقوقی شرکت استیفای طلب طلبکاران شرکت از اشخاص ماورای آن (شریک یا شرکا) است. اکنون پرسش اساسی این است که چه نوع مطالباتی می‌تواند بر اثر برداشتن پوشش شخصیت حقوقی شرکت از اشخاص مزبور مطالبه شود؟ آیا این طلبها منحصر به طلبهای قراردادی یا غیر قراردادی یا هر دوی آن طلبها هستند؟ برای مثال شخص «الف» و «ب» قصد دارند در یک حوزه تجاری خطرناک (تولید مواد شیمیایی) فعالیت کنند و با انگیزه فرار از مسئولیت‌های قهری ناشی از سموم دفع شده به رودخانه (به طور غیر بهداشتی) مبادرت به تشکیل شرکت تجاری «ج» می‌کنند. حال اگر شخص «د» بر اثر مواد سمی مزبور آسیب ببیند و درعین حال دارایی شرکت برای جبران خسارت شخص زیان دیده کافی نباشد یا اینکه شرکت علی‌رغم مقصر بودن فاقد اموال برای ترمیم زیان مزبور باشد آیا وی می‌تواند بر اساس مکانیزم کنار گذاشتن شخصیت حقوقی شرکت

اصلاح قانون تجارت می‌تواند این برداشت را به- همراه داشته باشد که در شرکت‌های سهامی، سهامداران علاوه بر مسئولیت نسبت به پرداخت مبلغ اسمی سهام شرکت در صورت مدیون شدن شرکت نیز به اندازه مبلغ اسمی سهام خود، مسئول پرداخت دیون شرکت هستند؛ در حالی که منظور این است که سهامداران با پرداخت مبلغ اسمی سهام خود به شرکت، دیگر مسئولیتی در قبال دیون شرکت نخواهند داشت. بنابراین باید گفت در خصوص مسئولیت سهامداران شرکت سهامی، اصطلاح «محدود» در معنای لغوی خود به کار نرفته است و در واقع جایگزین اصطلاح «عدم» مسئولیت سهامداران در برابر طلبکاران شرکت در صورت پرداخت تمام مبلغ اسمی سهام، شده است (کاویانی، ۱۳۸۶، ۲۷۷).

نکته دیگری که در خصوص این ماده قابل ذکر است توضیح عبارت «مبلغ اسمی سهام» است. منظور از مبلغ اسمی سهام، مبلغی است که در اساس نامه برای سهم معین شده است و در برگ سهام قید می‌شود. در مقابل مبلغ واقعی، مبلغ رسمی و مبلغ تجاری قرار داده شده است (رسایی‌نیا، ۱۳۷۷، ۱۲۷). تعریفی که از مبلغ واقعی، رسمی و تجاری ارائه شده است تقریباً یکسان است و نشانگر ماهیت واحد و نام متفاوت برای این مبلغ است و در مجموع می‌توان گفت مبلغی است که در بازار بورس برای سهم معین می‌شود. بنابراین، این مبلغ می‌تواند کمتر، بیشتر و یا مساوی مبلغ اسمی سهام باشد. ضمانت اجرای تأخیر یا عدم پرداخت مبلغ اسمی سهام به شرکت چیست؟ در حقوق ایران برخلاف حقوق فرانسه، مهلتی برای پرداخت

قراردادی تعهدی وجود ندارد؛ زیرا این قبیل طلبکاران از اختیار مذاکره و حق انتخاب انجام معامله با شرکت محروم هستند. در واقع برخلاف طلبکار قراردادی طلبکار غیر قراردادی هیچ نفعی به- لحاظ نبود معامله عایدش نمی‌شود؛ لذا نمی‌تواند خطرات ناشی از آن را از قبل ارزیابی و بررسی کند. در نتیجه اگر با وصف عدم کفایت دارایی شرکت قائل به عدم امکان گذر از شخصیت حقوقی شرکت باشد، در این صورت این امر از لحاظ اجتماعی نامطلوب است و به دلیل انتقال خطر ناشی از عدم کفایت دارایی یا نداشتن دارایی، هزینه سنگینی به نام برده تحمیل می‌شود.

ماده نخست لایحه اصلاح قانون تجارت در تعریف شرکت سهامی بیان می‌دارد: «شرکت سهامی، شرکتی است که... مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آن‌ها است». ذکر این ویژگی در تعریف قانونی شرکت‌های سهامی، برخی مؤلفان را برآن داشته است که مانند لزوم تقسیم سرمایه به سهام، آن را به عنوان ویژگی ذاتی شرکت‌های سهامی معرفی کنند (پاسبان، ۱۳۸۶، ۸۰). و عده‌ای دیگر یکی از مهم‌ترین اهداف لایحه اصلاح قانون تجارت را همین امر بدانند و حتی آن را به عنوان دلیل اصلی تشکیل شرکت‌های تجاری در مقابل مشارکت مدنی، تلقی کرده‌اند (عیسایی تفرشی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۱۴۹-۱۴۸). ماده ۲۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ به عدم مغایرت محدود بودن مسئولیت سهامداران در مقابل مطالبات اشخاص ثالث با احکام شرعی، دلالت دارد (خزائی، ۱۳۹۳، ج ۲، ۵۶). ظاهر ماده ۱ لایحه

باقی‌مانده مبلغ اسمی سهام، تعیین نشده است (اسکینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۸۸) و این موضوع به اساس‌نامه شرکت ارجاع شده است: «مبلغ پرداخت‌نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساس‌نامه مطالبه شود...» (ماده ۳۳ لایحه اصلاح قانون تجارت). در راستای پیش‌گیری از تضییع حق دارنده سهام، مطالبه این مبلغ توسط سهامداران، دارای تشریفات و شرایط خاصی از جمله لزوم آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار و تعیین مهلت معقول برای پرداخت است. بعد از این مطالبه و انقضای مهلت تعیین‌شده پس از اظهار مجدد به صاحب سهم، سهام مذکور از طریق بورس یا مزایده به فروش می‌رسد و مازاد مبلغ در صورت وجود به شخص مورد نظر مسترد می‌شود. امکان فروش سهام و استیفای مطالبات شرکت از آن، بدون مراجعه به دادگاه، امری خلاف قاعده است. زیرا مطابق قواعد عمومی اجرای تعهدات، شرکت در این فرض می‌باید با مراجعه به دادگاه، متعهد (صاحب چنین سهمی) را مجبور به انجام تعهد قراردادی خود در خصوص امتیاع سهام کند و در صورت استتکاف وی، دادگاه حکم به اجرای تعهد از محل دارایی شخص متعهد کند. اما قانون‌گذار با توجه به اینکه چنین اقدامی موجب صرف وقت و هزینه زیادی برای شرکت می‌شود، اجازه فروش سهام مذکور را با رعایت شرایطی به شرکت اعطا کرده است. در هر صورت، این اختیار، مانع رجوع شرکت به دادگاه و درخواست اجرای تعهد صاحب سهم در خصوص امتیاع سهام مطابق قواعد عمومی اجرای تعهدات نیست.

ثمره عملی این موضوع در فرضی که سهام شرکت با تنزل قیمت مواجه باشد و در نتیجه از محل فروش سهام، امکان تأمین مبلغ اسمی آن نباشد، آشکار می‌شود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا علاوه بر شرکت، طلبکاران شرکت نیز می‌توانند علیه صاحب چنین سهمی، اقامه دعوا کنند؟ به نظر می‌رسد با توجه به قاعده کلی مندرج در ماده ۳۶ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ که طلبکاران معسر را در تمام اختیارات و حقوق مالی، قائم‌مقام وی می‌داند، طلبکاران شرکت در این فرض، ممنوعیتی برای اقامه دعوا علیه این سهامدار نداشته باشند. زیرا چنین سهام‌داری به منزله بدهکار شرکت است (کاویانی، ۱۳۸۶، ۲۷۶). باید توجه شود که این امر، منوط به اقامه دعوی اولیه علیه شرکت و بلاوصول ماندن مطالبات طلبکاران از آن است. به بیان دیگر «... قائم‌مقامی طلبکار، مشروط به ادعای اعسار یا اجرا نکردن اجرائیه ثبتی یا حکم دادگاه، ظرف مهلت قانونی است» (کاویانی، ۱۳۸۶، ۳۵۹). زیرا در غیر این صورت ذی‌نفعی خواهان (طلبکار) که یکی از شرایط اقامه دعوا است مورد خدشه واقع می‌شود. در همین راستا ماده ۸۷ قانون اجرای احکام مدنی نیز که اجازه توقیف طلب بدهکار نزد ثالث را می‌دهد، ناظر بر فرض صدور اجرائیه اولیه علیه بدهکار و عدم اجرای مفاد آن توسط وی است. بدیهی است امکان رجوع طلبکاران به دارنده چنین سهمی منافاتی با اصل استقلال شخصیت شرکت از سهامداران (و در نتیجه اصل استقلال دارایی شرکت از سهامداران) ندارد. زیرا این رجوع از باب رجوع طلبکار شرکت به سهامداران شرکت نیست؛ بلکه از باب رجوع طلبکار شرکت به بدهکار شرکت است.

نکته‌ای که در خصوص تشخیص سهامدار مسئول پرداخت مابقی قیمت سهام، لازم به ذکر است این است که مطابق ماده ۳۴ لایحه اصلاح قانون تجارت، تعهد به پرداخت با انتقال ورقه سهم منتقل می‌شود. اگر چنین سهمی به شخصی دیگر انتقال داده شده باشد، منتقل‌الیه، مسئول پرداخت مبلغ باقی‌مانده سهام خواهد بود. بنابراین، رویه حقوق فرانسه که به موجب آن دارندگان متوالی سهام در قبال پرداخت مبلغ باقی‌مانده سهام، مسئولیت تضامنی دارند، در حقوق ایران قابل پذیرش نیست (اسکینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۹۰؛ خزایی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۱۶۳). علاوه بر این ضمانت اجرا (مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام و فروش آن)، دارنده سهامی که تمام مبلغ آن پرداخت نشده است از داشتن سهام بی‌نام ممنوع خواهد بود: «مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهی‌نامه موقت بی‌نام، ممنوع است...» (ماده ۳۰ لایحه اصلاح قانون تجارت). افزون بر این موارد که ناظر بر ضمانت اجرای مربوط به دارنده چنین سهمی هستند، پرداخت نشدن مبلغ اسمی سهام شرکت، تعهدات و ممنوعیت‌هایی نیز برای شرکت به دنبال دارد: ممنوعیت صدور اوراق قرضه (ماده ۵۵ لایحه اصلاح قانون تجارت)، ممنوعیت افزایش سرمایه (ماده ۶۵ همین لایحه)، تکلیف هیئت - مدیره به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده جهت تقلیل سرمایه شرکت به میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه (ماده ۳۳ لایحه یادشده).

لایحه اصلاح قانون تجارت و تقریباً با همان عبارات، محدود بودن مسئولیت صاحبان سهام به میزان مبلغ اسمی سهام آن‌ها را مقرر می‌دارد: «شرکت سهامی شرکتی است که... مسئولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی آن‌هاست». همان‌طور که ملاحظه می‌شود تنها تفاوت این ماده با لایحه اصلاح قانون تجارت، حذف واژه سهم از بخش پایانی ماده است که به نظر می‌رسد ناشی از مسامحه بوده است و پیشنهاد می‌شود عبارت «مبلغ اسمی» به عبارت «مبلغ اسمی سهام» تغییر یابد. لایحه جدید برخلاف لایحه اصلاح قانون تجارت در خصوص چگونگی مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام شرکت سهامی و ضمانت اجرای مربوط به آن، ساکت است. دلیل این سکوت حذف نهاد «تعهد به پرداخت» در این لایحه است. چنان‌که در بخش‌های پیشین بیان شد، قانون‌گذار در لایحه جدید مؤسسان و پذیره‌نویسان، شرکت‌های سهامی را مکلف به پرداخت یک‌باره تمام مبلغ مورد نیاز برای تأسیس و پذیره‌نویسی کرده است. به همین دلیل، لزومی به ذکر ضمانت اجرای تأخیر یا عدم پرداخت باقی‌مانده مبلغ سهام نبوده است و در نتیجه مواد لایحه اصلاح قانون تجارت که این موضوعات را بیان کرده‌اند در لایحه جدید بدون اضافه شدن مواد جانشین، حذف شده‌اند (کاویانی، ۱۳۸۶، ۲۷۸).

با این توصیف در حقوق ایران هرچند با بررسی‌های انجام شده آرایه‌ای که مؤید اعمال نظریه گذر نسبت به طلبکاران اعم از قراردادی یا غیر قراردادی باشد مشاهده نمی‌شود. اما می‌توان گفت در حقوق ایران هم همانند حقوق کشورهای مورد مطالعه نظریه گذر



مسئله به نظر می‌رسد که نباید تفاوتی از این حیث وجود داشته باشد. همان‌طور که می‌توان تصور کرد شریک یا شرکای شرکت در پوشش شخصیت حقوقی شرکت در پی فرار از تعهدات قراردادی باشند موردی را در نظر گرفت که در پوشش شخصیت حقوقی شرکت به‌صورت متقابلانه در پی فرار از تعهدات ناشی از مسئولیت‌های قهری مورد نظر شریک و یا شرکای شرکت باشد. برای مثال موردی که عملاً در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه مطرح می‌شود و مدافعان اعمال نظریه گذر در باب دیون و تعهدات قهری به آن تمسک می‌کنند، پرونده شرکت تاکسی‌رانی است. در این پرونده شرکای شرکت، با انگیزه فرار از تعهدات قهری ناشی از فعالیت شرکت تاکسی‌رانی شرکت‌های متعدد با حداقل سرمایه تشکیل می‌دادند تا در صورت صدور حکم به محکومیت مالی شرکت به‌دلیل حوادث ناشی از رانندگی محکوم‌له نتواند تمام مبلغ محکوم‌به را از اموال شرکت، استیفا کند. در این پرونده دادگاه‌های آمریکا با احراز نیت نامشروع شرکای شرکت، حکم به استیفای دیون ناشی از حوادث رانندگی تاکسی‌های تحت تملک شرکت از محل اموال شخصی شریک و یا شرکای شرکت را صادر کردند. مثال دیگر برای دیون قهری (غیر قراردادی) می‌توان موردی را تصور کرد که شخص «الف» و «ب» قصد دارند در یک حوزه تجاری خطرناک (تولید مواد شیمیایی) فعالیت کنند و با انگیزه فرار از مسئولیت‌های قهری ناشی از سموم دفع‌شده به رودخانه (به‌طور غیر بهداشتی) مبادرت به تشکیل شرکت تجاری «ج» می‌کنند. حال اگر شخص «د» بر اثر مواد سمی مزبور آسیب ببیند و درعین حال دارایی شرکت برای جبران خسارت شخص زیان‌دیده کافی نباشد یا ای که شرکت

قابل استناد توسط طلبکاران اعم از قراردادی و غیر قراردادی است. زیرا بر اساس تحلیلی که در باب توجیه این نظریه از منظر حقوق کشورمان داده شد این نتیجه‌گیری به‌عمل آمد که با نبود تصریح قانونی به استثنائات قاعده مسئولیت محدود به شرکت‌های تجاری نباید آن را قاعده مطلق و نامحدودی تلقی کرد. از جمله مواردی که می‌توان آن را به‌عنوان استثنای به قاعده مسئولیت محدود پنداشت استثنای تقلب است. نتیجه بررسی‌ها گویای این واقعیت است که مفهوم نظریه منع سوءاستفاده از حق و منع «حیله و تقلب» در اسلام تاریخی به قدمت اسلام دارد. این مفهوم که ریشه در قاعده فقهی لاضرر دارد از طریق ماده ۱۳۲ قانون مدنی و دیگر موادی که به نظر ماده ۱۳۲ بر آن‌ها سایه افکنده است در نظام حقوقی ایران انعکاس یافته است. با تکیه بر حکم ماده ۱۳۲ قانون مدنی و با تمسک به حکم‌های قانونی مذکور در ماده ۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب سال ۱۳۷۹ از جمله اصول حقوقی که می‌توان آن را به «روح قانون» تعبیر کرد و نیز با عنایت به نظریه‌های حقوقی و قوانین و مقررات ناظر بر شرط عدم مسئولیت که مورد «تقصیر عمدی» را از مواد مسلم بی‌اعتباری شرط عدم مسئولیت می‌دانند، تردیدی نباید کرد که در حقوق ایران مشابه حقوق کشورهای دیگر «تقلب» باید یکی از استثنائات عمده مسئولیت محدود شرکای شرکت تجاری باشد (طوسی، ۱۳۸۸، ۲۷۸).

حال این مسئله مطرح می‌شود که آیا نظریه تقلب به‌عنوان ملاک و مبنای توجیهی اعمال نظریه گذر در باب چه نوع دیونی (قراردادی و یا قهری و یا هردوی آن‌ها) می‌تواند مورد استناد قرار گیرد؟ در پاسخ

است. برخلاف مقصر بودن فاقد اموال برای ترمیم زیان مزبور باشد آیا وی می‌تواند بر اساس مکانیزم کنار گذاشتن شخصیت حقوقی شرکت برای جبران خسارت به شرکا رجوع کند؟ مثال دیگر شخص «الف» و «ب» قصد دارند وام کلانی را از یک مؤسسه مالی اخذ کنند و درعین حال قصد دارند که از بازپرداخت آن به صورت نامشروع طفره ببرند. به همین دلیل آن‌ها اقدام به تشکیل شرکت «ج» می‌کنند (هانسن و کراکمن، ۲۰۰۶، ۴۵). اکنون اگر شرکت مزبور به دلیل نداشتن دارایی یا ناکافی بودن آن قادر به پرداخت دین موضوع قرارداد استقراضی نباشد مؤسسه مالی وام‌دهنده می‌تواند با نادیده گرفتن شخص حقوقی شرکت طلب خود را از شرکای مذکور اخذ کند.

## ۶. نتیجه

گذر از شخصیت حقوقی راهکاری برای مقابله با سوء-استفاده موجود از نهاد مسئولیت محدود و شخصیت حقوقی شرکت‌هایی از این دست است. گذر از شخصیت حقوقی منافاتی با شخصیت حقوقی ندارد و تنها راهکاری در مقابل سوءاستفاده‌های احتمالی است. در قانون تجارت ایران، مدیران، بازرسان و اعضای هیئت‌مدیره در برابر هرگونه قصور و سهل‌انگاری خویش و دیگر اعضا که منجر به ورود خسارت به شرکت شود، به صورت فردی و گروهی در مقابل سهامداران و اشخاص ثالث مسئول هستند در اصلاحات پیشنهادی اخیر، مواد فوق‌الذکر به نحو مناسب تبیین نشده است. برای سنجش مسئولیت مدیران تعیین حدود مسئولیت و مبانی مسئولیت ایشان وضع مقررات کامل و شفاف، امری ضروری

هیئت‌مدیره و رأی‌گیری درباره تصمی‌های اصلی شرکت. محدود بودن مسئولیت سهامداران به میزان مبلغ اسمی سهام به این معنا است که سهامداران در کل در لایحه جدید قانون تجارت نیز پس از پرداخت مبلغ اسمی سهام خود به شرکت، در مقابل طلبکاران شرکت، مسئولیتی نخواهند داشت. عدم پرداخت مبلغ مزبور به شرکت، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی برای دارنده این سهام و نیز شرکت به‌همراه خواهد داشت. در لایحه جدید با توجه به حذف نهاد «تعهد به پرداخت»، مواد مربوط به ضمانت اجرای عدم پرداخت مبلغ اسمی سهام، ذکر نشده‌اند.

#### ۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در نوشتن پژوهش حاضر شرکت داشته‌اند.

#### ۸. تضاد منافع

در نگارش و چاپ این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

## منابع

### فارسی

- عرفانی، محمد، «سوءاستفاده از اختیارات یا مشاغل در حقوق تجارت»، مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، شماره ۷، ۱۳۹۵.

- عیسائی تفرشی، محمد، مباحث تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص)، جلد دوم، چاپ اول، تهران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.

- کاویانی، کوروش، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.

- ابوعطا، محمد؛ پوررشید، سیده‌زهرا، «دعوی مسئولیت مدنی سهامداران علیه مدیران شرکت سهامی در حقوق ایران و فرانسه»، مجله مطالعات حقوق خصوصی، سال چهل‌وهفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶.

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.

- امینی، منصور؛ واحدی، سیمین، «محدودیت مسئولیت سهامداران و خرق حجاب شرکت‌ها»، مجله پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۸.

- پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

- خزاعی، حسین شرکت‌های تجاری، جلد دوم، انتشارات قانون، ۱۳۹۳.

- خزائی، حسین، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری) - تطبیق اجمالی با لایحه اصلاحی (۱۳۸۴)، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر قانون، ۱۳۸۵.

- رسایی‌نیا، ناصر، کلیات حقوق بازرگانی (تجارت)، چاپ دوم، تهران، انتشارات ویستار، ۱۳۷۷.

- طوسی، عباس، «تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌های تجاری»، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

### لاتین

- A. Fourie, J.S. Limited Liability and Insolvent, 5 Stellenbosch Law Review 148, 1994.

- Bagrial, Ashok K., Company Law, 8th. Revised Edn, University of Dehli, 2002.

- Cabrelli, David, The case Against outsider Reverse veil Piercing in company Law, First Edition, Endinburgh, publication university of Endinburgh, 2010.

- David Millon, Piercing the Corporate Veil, Financial Responsibility and the Limits of Limited Liability, Washington & Lee Public Law and Legal Theory Research Paper Series, 2003.

- Douglas G. Smith, Piercing the Corporate Veil in Regulated Industries, Brigham Young University Law Review 1165, 2008.

- Thompson, Robert B, "Unpacking Limited Liability: Direct and Vicarious Liability of Corporate Participants for Torts of the Enterprise", Journal Van derbilt Law Review, No.47,1994:1036.
- Easterbrook, Frank and Fischel, Daniel, The Economic Structure of Corporate Law, Harvard University Press,2008.
- Hansman, Henry & Kraakman, Reinier, Law and Rise of the Firm ,2006.
- Jonathan M. Landers, A Unified Approach to Parent, Subsidiary, and Affiliate Questions in Bankruptcy, The University of Chicago Law Review, Vol. 42, No. 4, 2004.
- Nicholas L; Kopoulos, Ceaga, Contract-Centered Veil-Piercing, First Edition, Indiana, public ation Indiana University,2005.
- Phillip I. Blumberg. The Multinational Challenge to Corporation Law, The Search for a New Corporate Personality, New York Oxford University Press, 2003.
- Presser, Stephen, "Thwarting the Killing of the Corporation: Limited Liability-Democracy and Economics", Journal Northwestern University Law Review, No.4,1992-1993: 147-179
- Robert B. Thompson, "Piercing the Corporate Veil (An Emprical Study Cornell Law Review)", Journal Cornell Law Review, No.76,1990-1991:1036.
- Stephen B. Presser, Thwarting the Killing of the Corporation: Limited Liability, Democracy and Economics, 2005.

